

# اکتاویو پاز

صدایی از آن خود

نیک کیستر

ترجمه لیلا مینایی



نشرنی

## فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول: صدایی از آن خود: ۱۹۱۴ تا ۱۹۳۷
۳۷	فصل دوم: جایگاهی از آن خود: ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۳
۵۷	فصل سوم: سفرها: ۱۹۴۳ تا ۱۹۵۳
۸۱	فصل چهارم: کامیابی‌ها: ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۹
۱۰۵	فصل پنجم: بازگشت به وطن: ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۰
۱۲۳	فصل ششم: شعله‌های سوزان: ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۸
۱۳۳	پی‌نوشت‌ها
۱۴۳	گزیده کتابشناسی
۱۵۱	سپاسگزاری نویسنده
۱۵۳	کتابشناسی فارسی
۱۵۷	نمایه

## فصل اول

### صدایی از آن خود: ۱۹۱۴ تا ۱۹۳۷

اکتاویو پاز در سی‌ویکم مارس ۱۹۱۴ در مکزیکوسیتی متولد شد. دوران خوش اروپا به آخرین بهار خود رسیده بود و کمی بعد، با آغاز جنگ جهانی اول در همان سال، پایانی اندوه‌بار می‌یافت. مکزیک که از ۱۹۱۰ شور انقلاب در آن برپا شده و در ۱۹۱۱ به برکناری پورفیریو دیاس، دیکتاتور دیرینه، منجر شده بود، هنوز عرصه جدال جناح‌های مختلف بر سر تصاحب قدرت بود. یک ماه بعد از تولد اکتاویو پاز لوسانو، شهر بندری براکروس را سربازان امریکایی به توپ بستند و از آشوب به‌پاشده بهره بردند و آن را به اشغال خود درآوردند. یک سال پیش از آن، مرکز شهر مکزیکوسیتی کانون جدال معروف به «ده روز اندوه‌بار» بود که در آن گروه‌های رقیب، در حد فاصل کاخ ریاست جمهوری و نزدیکی‌های دژ سیودادلا، همدیگر را زیر آتش گرفته و به گلوله بسته بودند. حدود پانصد غیرنظامی کشته شدند و رئیس‌جمهور، فرانسیسکو مادرو، دستگیر و سپس کشته شد. در جنگ قدرتی که پس از ۱۹۱۴ درگرفت، چاپخانه‌ای در قلب بخش قدیمی شهر مکزیکوسیتی به تاراج رفت که ایرننو پاز (۱۸۳۵-۱۹۲۴)، پدر بزرگ اکتاویو، مالک و گرداننده‌اش بود. پیرمرد که دیگر در آستانه هشتادسالگی بود دست خانواده را گرفت و از مرکز مکزیکوسیتی به حومه آرام و امن میکسکوآک کوچ کرد. شهری کوچک و دور از پایتخت که قدمتش به دوران پیش از کلمب می‌رسید. این پدر بزرگ نقشی بسیار مهم و تأثیرگذار در زندگی اکتاویو داشت. پدر بزرگ،

همچنان که نوه‌اش بزرگ می‌شد، او را با تلاش‌های استقلال‌خواهانه مکزیکی در قرن نوزدهم آشنا کرد که خود پدر بزرگ سهمی مهم در آن داشت و همین عامل آشنایی پاز با تاریخ مکزیکی شد. ایرِنو پاز حقوق‌دان و روزنامه‌نگاری بود طرفدار جنبش‌های آزادی‌خواهانه دهه ۱۸۵۰ به‌رهبری بنیتو خونارس، «سرخپوست ساپوتکا» از اوآکاساکا»، که اولین جمهوری مبتنی بر قانون اساسی را در مکزیکی حاکم کرد. ایرِنو پاز همچنین برای مبارزه با ماکسیمیلیان، دوک اعظم اتریش، که فرانسوی‌ها در دهه ۱۸۶۰ می‌خواستند او را امپراتور مکزیکی کنند، در ارتش جنگید و به درجه سرهنگی رسید. او، به‌رغم اینکه ملی‌گرایی پروپاقرص بود، از دهه ۱۸۸۰ از اقدامات رئیس‌جمهور مکزیکی، پورفیریو دیاس، برای مدرن‌سازی مکزیکی و درگشودن به روی جهان حمایت کرد. پاز عضو کنگره فدرال شد و به نگارش رمان‌های تاریخی و نمایشنامه‌های متعدد، خاطرات خود و نیز زندگینامه پورفیریو دیاس پرداخت. او، در مقام رمان‌نویس، از پیشگامان جنبش «ایندیخنیستا»<sup>۲</sup> بود، که پیروانش می‌کوشیدند برای اولین بار شخصیت‌های داستان‌شان بومیان مکزیکی باشند. آگاهی از وجود «دیگری»، آن صدای خفه‌شده و به حاشیه رانده‌شده نخستین ساکنان مکزیکی، اکتاویو را از همان کودکی مجذوب خود کرد.

خانواده پاز، در عین حال، در برابر تأثیرات بیرونی مقاومت نمی‌کردند. ایرِنو پاز، به‌رغم مخالفتش با تهاجم فرانسوی‌ها به کشورش، فرانسه دهه ۱۸۸۰ را مظهر مدرنیته می‌دانست. او حتی به پاریس سفر کرد و در اکسپوزیسیون اوئیورسل<sup>۳</sup> در سال ۱۸۸۹ (که بیشترین جاذبه‌اش افتتاح برج ایفل بود) شرکت کرد و نمونه‌هایی از چاپ‌ها و صحافی‌های خود را نمایش داد.<sup>[۱]</sup> پدر بزرگ اکتاویو پاز در بازگشت از پاریس مجموعه‌ای از تازه‌ترین آثار ادبی فرانسه را با خود به همراه آورد تا آن‌ها را به مجموعه کلاسیک‌های فرانسه در کتابخانه عظیم خود اضافه کند. سال‌ها بعد او بود که به نوه نوجوان خود عشق

۱. ساپوتکا (Zapotec) از تمدن‌های باستانی مکزیکی.

۲. اصطلاح Indigenista از واژه Indígena گرفته شده است که به معنی بومی (به‌طور اعم) و سرخپوست (به‌طور اخص در امریکای لاتین) است.

۳. نمایشگاهی جهانی در پاریس که از ۶ تا ۳۱ مه ۱۸۸۹ به مناسبت صدمین سالگرد قیام باستیل برگزار شد.

و احترام به افکار و ادبیات فرانسه را آموخت. عمه آمالیا، عمه شوهرنکرده عجیب و غریبی که با خانواده‌پاز زندگی می‌کرد، نیز این عشق و علاقه به فرهنگ فرانسه را در او بیشتر کرد و گویا اکتاویو را به خواندن آثار ژان ژاک روسو، ویکتور هوگو، ژول میشله و همین‌طور آن دسته از نویسندگان فرانسوی که کتاب‌هایی برای کودکان می‌نوشتند تشویق کرد. اکتاویو درس‌های آن دوران را هرگز از یاد نبرد: در بزرگسالی دو دورهٔ پرثمر از زندگی‌اش را در پاریس سپری کرد، و عادت کودکی‌اش به مطالعه به زبان فرانسه را تمام عمر حفظ کرد. برای پاز فرانسه از بسیاری جهات وطن فکری بود. وقتی در ۱۹۸۹ «جایزهٔ آلکسی دو توکویل» را شخصاً از فرانسوا میتران، رئیس‌جمهور فرانسه، دریافت کرد، این‌طور تشکر کرد: «ادبیات فرانسه همیشه دومین وطن معنوی من بوده است.»<sup>۱۱</sup>

این آمیختگی ملی‌گرایی عمیق پاز با گشودگی نامتعارف ذهنش به روی سنت‌ها و تجربه‌های دیگر از نظر منتقدان ریشه در زندگی پدر بزرگش داشته است. در هر صورت، این ویژگی بعدها (از دههٔ ۱۹۳۰ تا دههٔ ۱۹۹۰) خیلی وقت‌ها باعث درگیری اکتاویو پاز با روشنفکران چپ مکزیکی شد، که مکزیکی «واقعی» بودن را در نفی همهٔ تأثیرات خارجی می‌دیدند و هم‌وغم خود را صرف آفرینش هنر و ادبیاتی کاملاً «مکزیکی» می‌کردند. پاز همیشه از قبول تعاریف محدودی از این دست سر باز می‌زد. بنا به تجربهٔ خانوادگی می‌دانست مکزیکی بودن میراثی بس پیچیده است. در عین حال، سفرهایش به ایالات متحدهٔ آمریکا و اروپا و خاور دور او واداشت فرهنگ خود را در قیاس با فرهنگ دیگران تعریف کند، نه اینکه دنبال اعتباری «بومی»<sup>۱</sup> باشد (اصطلاحی که حلقه‌های ادبی ملی‌گرای دههٔ ۱۹۳۰ در مکزیکی به کار می‌بردند).

هرچقدر که پدر بزرگ اکتاویو شخصیتی متین و جدی داشت، پدرش، اکتاویو پاز سولورسانو، که کوچک‌ترین پسر ایرینو بود، تأثیری عصیانگرانه بر او داشت. او نیز حقوقدان بود، ولی با وقوع انقلاب در ۱۹۱۰ سرنوشت خود را به امیلیانو زاپاتا، رهبر پرجوش و خروش نیروهای انقلابی که از جنوب مکزیکی برخاسته بود، پیوند زد. زاپاتا رهبر انقلاب و طرفدار سفت‌وسخت اصلاحات ارضی بود و با زور و اعمال قدرت زمین‌ها و مزارع بزرگی را که در تملک مالکان غایب بود مصادره می‌کرد. در ۱۹۱۴